

واکاوی روش‌های فرهنگی حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

در دوران امامت

محسن عابدی^۱

doi 10.61186/HAS.2024.1995.1075

مرتضی انفرادی^۲

چکیده

در تاریخ اسلام مباحث فرهنگی و نحوه مقابله با تضادهای فرهنگی یکی از مباحث بزرگان دین اسلام بود؛ به‌ویژه در اواسط قرن دوم در دوران حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که با شروع نهضت ترجمه، اندیشه‌های مختلف غیراسلامی که در تعارض با فرهنگ اسلامی بود وارد جامعه اسلامی شد. علاوه بر تشتهای فکری، فشار و اختناق دستگاه حاکم نیز کار را بر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام سخت کرده بود. از آنجایی که در این دوران هویت شیعه تهدید می‌شده و تمام عوامل برای از بین بردن تشیع فراهم شده بود ضروری است واکنش‌ها و تلاش‌های امام علیهما السلام برای مقابله با این تهاجم‌ها بررسی شود؛ از این رو اقدامات امام موسی کاظم علیهما السلام که مکتب تشیع را استمرار بخشید حائز اهمیت بوده و باید بررسی شود. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه‌ای روش‌های ایشان برای اصلاح جامعه ازجمله انتشار حدیث، مناظره با مخالفان، مکاتبه با اصحاب، مقابله با افراط در عقل‌گرایی، تربیت شاگردان و تبیین فرهنگی در مقابله با سیاست تزویر را می‌توان بیان کرد. هدف از این نوشتار اشراف یافتن بر روش‌های اصلاحی حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام برای جامعه اسلامی و ادامه حیات تشیع بوده است.

واژگان کلیدی: موسی بن جعفر علیهما السلام، فرقه‌های انحرافی، فرهنگ، سیره، عباسیان، جامعه اسلامی.

۱. دانش‌پژوه سطح سه رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمی خراسان

(نویسنده مسئول)، m34819884@gmail.com

۲. پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، enferadi91@outlook.com

اصلاح مولفه‌های فرهنگی جامعه یکی از مهمترین دغدغه‌های متولیان امر به شمار می‌رود. در تاریخ اسلامی نیز این موضوع جایگاه ویژه‌ای دارد. قرن دوم هجری نیز که همزمان با دوران حیات امام کاظم علیه السلام است، با توجه به شرایط جامعه اسلامی و ورود نظریات مختلف از نحله‌های فکری متفاوت باعث تضاد آرا در آن زمان شد؛ بنابراین دوران امام کاظم علیه السلام توجه به مقوله فرهنگ اهمیت فراوانی دارد؛ ازاین‌رو ضروری است اقدامات امام علیه السلام برای استمرار حیات مکتب تشیع و اصلاح معایب فرهنگی موجود در جامعه بررسی و روش ایشان برای مقابله با تهاجم‌های همه‌جانبه تحلیل شود.

اگرچه کتاب‌هایی نظیر احوال امام کاظم علیه السلام اثر سپهر عباسقلی، آفتاب در حصار تألیف زهرا مرتضوی، الصحیفه الکاظمیه نوشته جواد قیومی اصفهانی، امام کاظم علیه السلام کاری از علی روح‌بخش و حیات الإمام موسی بن جعفر علیه السلام و موسوعة سیره اهل البیت الامام موسی بن جعفر علیه السلام نوشته قرشی باقر شریف و مقالاتی مانند «بررسی ابعاد توفیق امام کاظم علیه السلام در حفظ و گسترش تشیع» از سیدحسن قاضوی، «نگرشی بر زندگی امام کاظم علیه السلام» نوشته هاشم معروف حسینی، «راهبرد امام کاظم علیه السلام در برابر هژمونی حاکمان عباسی» نوشته مسعود پورفرد، «الگوی مواجهه امام کاظم علیه السلام با تهدیدهای نرم سیاسی فرهنگی» کاری از مرتضی نجفی، «عوامل و موانع گسترش احادیث شیعه در عصر امام موسی کاظم علیه السلام» تألیف حیدر محسن، «سیره فرهنگی امام کاظم علیه السلام» نوشته سیدمحمد حسنی، «امام کاظم علیه السلام و فرقه‌های انحرافی» نوشته عباس سرافرازی و «دگرگونی‌های فکری و فرهنگی عصر امام کاظم علیه السلام» نوشته اصغر منتظرالقائم درباره دوران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به رشته تحریر درآمده است؛ اما هیچ‌کدام به‌طور مستقل به سیاست‌های مد نظر امام علیه السلام پرداخته یا به اشارات کوتاهی بسنده کرده‌اند.

هدف از این نوشتار بررسی روش و نتیجه اصلاحات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در جامعه‌ای است که دچار فرازونشیب‌هایی شده است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه‌ای سیاست‌های حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اصلاح جامعه تبیین می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

پس از بررسی واژه فرهنگ و سیره در معنای لغوی و اصطلاحی فضای فرهنگی جامعه در دوران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را بررسی می‌کنیم.

۱.۱. فرهنگ

قبل از ورود به فضای فرهنگی جامعه دوران امام موسی بن جعفر علیه السلام و تبیین مولفه‌های آن باید فرهنگ را تعریف کنیم.

۱.۱.۱. فرهنگ در لغت

فرهنگ به معانی زیادی آمده است که از جمله آن می‌توان به تربیت، عقل، معرفت، پرورش، وقار، ادب، علم فقه، علم شریعت، هنر، شکوهمندی و... اشاره کرد (نفیسی، بی تا: ۴، ۲۵۵۷).

اما با توجه به پیچیدگی و تنوع واژه «فرهنگ» که هنوز تعریف جامع و کاملی از مفهوم آن بیان نشده، کار را برای محققان دشوار می‌کند (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۷)؛ همان‌طور که محققان اروپایی فرهنگ را به «گرفتن هوا در مشت» تعبیر کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۵). فرهنگ مفهومی بسیار عالی و جامع و مورد ابتلای بشر بوده است که انسان‌ها در طول عمر خود با آن روبه‌رو می‌شوند. اساساً فرهنگ را می‌توان شاکله‌ای برای تقویت و پیشرفت و تکامل هر جامعه‌ای دانست.

۲.۱.۱. فرهنگ در اصطلاح

واژه «فرهنگ» با توجه به مفهوم علمی آن، در قرن هجدهم میلادی به حوزه جامعه‌شناسی داخل شد که اوایل به اعتقادات، هنرها، عادات، قوانین و هرچیزی که انسان می‌توانست در جامعه به آن دست یابد تعبیر شد (محمودی بختیاری، ۱۳۶۸: ۳۷). فرهنگ مجموعه مایه‌هایی است که رفتار انسان را از رفتار حیوانات متمایز می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۷۱). شاید بتوان کاربرد دقیق از مفهوم فرهنگ را از تیلور نقل کرد که می‌گوید: «فرهنگ کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد.» (آشوری، ۱۳۷۵: ۷۱). فرهنگ اسلامی «مجموع آثار مثبت مادی و غیرمادی جوامع اسلامی است که افراد

آن، عقاید، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم، الگوها و روش‌های عمل خود را از قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام اخذ کرده‌اند و در پیروی از آن هیچ‌گونه کوتاهی عمدی روا نمی‌دارند.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷۱).

فرهنگ در اصطلاح، «شامل الگوهایی است: آشکار و ناآشکار از رفتار و برای رفتار که به واسطه نمادها حاصل می‌شود و انتقال می‌یابد؛ نمادهایی که دست‌آوردهای متمایز گروه‌های انسانی و ازجمله تجسم‌های آن‌ها را در کار ساخت تشکیل می‌دهند. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی و به‌خصوص ارزش‌های وابسته به آن‌هاست.» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۲).

فرهنگ در اصطلاح دارای دو نوع کاربرد است: عام و خاص. به معنای عام ناظر به نگرش ذهن شخص است که او را به جهت‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهد. این مفهوم عام را می‌توان در سخنان رهبر معظم انقلاب مشاهده کرد:

«فرهنگ جهت‌دهنده ذهنیت‌های انسان و عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است و می‌تواند زمینه مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های یک ملت به وجود آورد؛ به همین دلیل اگر باورها و معیارهای بالنده و تعالی‌بخش یک ملت به هر دلیل تضعیف شود آینده آن جامعه با مشکل روبه‌رو خواهد شد.» (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۳).

فرهنگ به معنای خاص دارای تعبیرهای متفاوتی است که می‌توان به ارزش‌ها، هنجارها، باورها و تکنولوژی اشاره کرد که افراد یک جامعه در سالیان زیادی به آن می‌رسند (متقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۷). برخی دیگر فرهنگ خاص را مجموعه‌ای از تلاش‌ها، تجربه‌ها، دانستنی‌ها، اعتقادات، قوانین، آموزش‌ها برای شناخت هویت بشری و هرآنچه برای انسان نیاز است تا شخص عضوی از یک جامعه تلقی شود دانسته‌اند (جان‌احمدی، ۱۳۹۲: ۲۲).

۲.۱. سیره

قبل از ورود به سیره فرهنگی امام موسی بن جعفر علیه‌السلام سیره را تعریف می‌کنیم.

۱.۲.۱. سیره در لغت

به معانی متعددی شناخته می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به روش، سنت، طریقه و... اشاره کرد. شهید مطهری در کتابش آورده که در زبان عربی از ماده «سیر» است (مطهری، بی‌تا: ۴۵).

سیره گزارش‌های تاریخی در مورد یک شخصیت است که در مورد پیامبر ﷺ به‌طور خاص و دیگر معصومان علیهم‌السلام به‌طور عام کاربرد دارد. به‌منظور دسترسی به یک الگو و سبک باید گزارش‌هایی را که دربارهٔ عمل خاص یک شخص ارائه شده بررسی کنیم. همواره در کنار کلمه «سیره» کلمه «سنت» هم به کار برده می‌شود که به معنای روش، طریقه، سلوک، حرکت و راه است.

راغب اصفهانی می‌گوید که سیره به معنای حالتی است که انسان یا غیراو بر آن حالت زندگی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۷۶)؛ مثل آیه ﴿قَالَ خُذْهَا وَلَا تَحْفَ سَعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى﴾ (طه، ۲۴) که به این معناست.

ابن منظور دربارهٔ معنای لغوی سیره می‌گوید: «سیره، یعنی راه و ازاین‌رو می‌گویند: «آنان را به راهی برد، فرقی ندارد که راهی خوب یا زشت باشد.» و نیز به معنای هیئت و حالت.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۳۹۰).

۲.۲.۱. سیره در اصطلاح

از نعمت‌هایی که خداوند ﷻ به بشر و به‌ویژه مسلمانان ارزانی داشته سخنان قطعی پیامبر اسلام ﷺ است. نکتهٔ درخور توجه این است که باید بین «سیر» و «سیره» تفکیک قائل شد؛ زیرا سیره‌نویسان بین آن دو خلط کرده‌اند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

«سیره» در زبان عربی از مادهٔ «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. «سیره» بر وزن فَعْلَة است و فَعْلَة در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. مانند: «جَلَسَة» یعنی نشستن و «جَلَسَة» یعنی سبک و نوع نشستن. «سیر» یعنی رفتن و رفتار؛ ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار؛ مانند سیرهٔ حلیه که در واقع سیر است نه سیره.» (مطهری، بی‌تا: ج ۱۶، ۴۳).

سیره در اصطلاح، یعنی «استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری یا ترک عملی و اگر مراد از مردم (ناس) همه عقلا باشند، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمین یا پیروان مذهب یا گروهی خاص از مسلمانان باشند آن را سیره متشرعه می‌نامند.» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ج ۱، ۴۹۳).

اصطلاحاتی دیگر هم درباره سیره بیان شده که از جمله آن می‌توان به گفتار یا رفتار یا تقریر معصوم علیه السلام اشاره کرد (جباری، ۱۳۹۲: ۲۰).

۲. بررسی فضای فرهنگی دوران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

قبل از آنکه سیره امام کاظم علیه السلام بررسی شود، باید شرایط فرهنگی و سیاسی و فکری این دوران سنجیده شود. پس از تبیین جو سیاسی و فکری غالب در اجتماع و تأثیر آن بر تغییرات جامعه، میزان اثرگذاری روش‌های اصلاحی حضرت بررسی می‌شود.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در طول حیات خویش با چند تن از حکام عباسی از جمله منصور، مهدی، هادی و هارون هم‌عصر بودند. ایشان در زمانه‌ای زندگی می‌کردند که مردم به تشنّت فکری دچار بودند و در نتیجه تعدد آرا فرقه‌های گوناگونی ایجاد شده بود. این شرایط معلول چندین علت از جمله وضعیت سیاسی، جولان دادن رهبران مسیحی تازه‌مسلمان و احبار (عالمان) یهود در مسائل دینی، منع تدوین حدیث، منع اهل بیت علیهم السلام از پاسخگویی به سؤالات علمی، برخورد فرهنگ‌های غیراسلامی با فرهنگ اسلامی و خوانش‌های سلیقه‌ای از معارف دینی بود (البانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

قرن دوم هجری دوران هنرهای ظریف و شکوفایی سایر علوم در جهان اسلام بود (نعمانی، ۱۳۸۶: ۳۳). در این دوران دانش‌های گوناگون به وسیله اصحاب صادقین علیهم السلام و پس از آن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رواج یافت. نهضت ترجمه آغاز شد و اندیشه‌های مختلف و افکار گوناگون در حوزه علوم انسانی و الهی و سایر باورهای اسلامی فراوانی یافت. در این دوره در باب عقل و قدرت آن افراط شد و جریان‌هایی نظیر معتزله از یک‌سو نیرومند شدند و از دیگرسو اهل حدیث با انحراف و شبهات خود جامعه را به تشویش کشانده بودند. پدید آمدن فرقه‌های درون‌شیعی که به‌خاطر فشار و اختناق شدید جریان حاکم و گاهی ضرورت تقیه بود مزید بر علت شده بود و فضای فرهنگی و

فکری جامعه را به سمت هرج و مرج سوق داده بود. حاکمان وقت با دامن زدن به جریان‌های فکری منحرف مانع از توسعه مفاهیم اسلامی شده بودند؛ حتی فقه، حدیث، شعر، هنر، زهد و تقوا نیز به خدمت حکام درآمده و مکمل اهرم زُروزور شده بود. فرقه‌های انحرافی با تقریرهای متفاوت از دین مانند ادعای مهدویت و جبرگرایی و جعل حدیث مترصد تغییر نگرش جامعه بودند. حکومت اُموی و عباسی به منظور حفظ و تحکیم قدرت خود از جبریه و رواج آن حمایت می‌کردند. جبرگرایان برای اثبات ادعای خود ظواهر آیات و روایات را دلیل خویش قرار می‌دادند (سامی‌نشار، ۱۹۷۷: ج ۱، ۲۳۱ و ۲۳۲).

در این دوران فضای سیاسی و اجتماعی به شدت دچار اختناق و سخت‌گیری بود و با کمترین گمانی افراد دستگیر و شکنجه و قربانی می‌شدند. این وضعیت سیاسی بر سختی وضعیت فرهنگی افزوده بود و امام (ع) بنا بر ظرفیتی که در جامعه وجود داشت هدایت و روش‌های اصلاحی خود را در پیش گرفته بودند.

۳. روش‌های فرهنگی حضرت موسی بن جعفر (ع)

پس از بیان فضای فرهنگی جامعه در دوران امام کاظم (ع) باید اقدامات ایشان در جهت مبارزه با کاستی‌ها و مشکلات جامعه و روش‌های اصلاحی ایشان بررسی شود. امام (ع) با تربیت شاگرد، مقابله با افراط‌گرایی، انتشار احادیث، مکاتبه با اصحاب و مناظره با مخالفان توانستند به اصلاح جامعه بپردازند.

۱.۳. انتشار حدیث

یکی از روش‌های اصلاحی فرهنگی در جامعه، شنیدن احادیث از شخص معصوم (ع) است. حضرت با تبیین مولفه‌های فرهنگی این موضوع را پیگیری می‌کردند. زمانی که حضرت موسی بن جعفر (ع) در مدینه اقامت داشتند تعداد زیادی از راویان حدیث و دانشمندان به محضر ایشان می‌رفتند و در باب مسائل علمی، نظرات امام (ع) را جویا شده و احادیث و فتاوی ایشان را ثبت می‌کردند؛ به همین خاطر مجموعه‌های روایی مختلفی که از ابواب مختلف تشکیل شده از حضرت نقل شده است. امام (ع) با این روش اصول دانش‌های اسلامی را تعمیق کرده و باعث تحکیم پایه‌های اسلام شدند و شیوه‌های قانون‌گذاری و فقهی را اصلاح کردند (ادیب، ۱۳۷۴: ۲۰۶). شاگردان و نزدیکان به

مجلس درس ایشان رفته و صفحه‌های نازکی از آب‌نوس و قلم در آستین خود داشتند و هرگاه امام علیه السلام کلمه‌ای می‌گفتند یا فتوایی صادر می‌کردند آن را ثبت و ضبط می‌کردند (اردبیلی نجفی، ۱۴۱۱: ۲۱۹ و ۲۲۰). تلاش‌های علمی ایشان در بسیاری از مراکز علمی رواج پیدا کرده بود؛ به‌طوری که یاران ایشان و دانشمندان نسل به‌نسل میراث علمی حضرت را نقل کرده‌اند (ادیب، ۱۳۷۴: ۲۰۶). شاگردان امام علیه السلام را در جایی ۳۲۰ نفر (قرشی، ۱۴۳۰: ج ۲۹، ۲۲۷) و در جایی دیگر ۲۷۲ نفر (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۲۹ تا ۳۴۷) ذکر کرده‌اند. اصحابی که از آن حضرت روایت نقل کرده‌اند ششصد نفر دانسته شده‌اند (مجلسی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۴). چنین آماری با توجه به تعداد شاگردان امام صادق علیه السلام که چهارهزار نفر بوده‌اند اشاره به شاگردان ممتاز امام کاظم علیه السلام دارد؛ چراکه بیشتر شاگردان امام صادق علیه السلام به تصریح بسیاری از مورخان و منابع رجالی پس از شهادت ایشان به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پیوستند.

۲.۳. مقابله با افراط در عقل‌گرایی

دیری نپایید که توجیه مسائل دینی با کمک عقل که در ابتدا مورد تأیید و تأکید بود به مسیر انحراف و افراط کشیده شد. گاهی برخی از صفاتی که به‌صراحت در قرآن به خداوند تعالی داده شده انکار می‌شد و گاهی صفاتی متناقض به خداوند تعالی نسبت داده می‌شد. در این تشویش افراط در استفاده از عقل، تنها حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بودند که توانستند با راهنمایی‌های خود جامعه را از باتلاق برداشت‌های ناصواب برهانند. در باب‌های توحید و اسما و صفات خداوند تعالی، حضرت موارد زیادی را اشاره می‌کنند که «از آنچه در قرآن است تجاوز نکنید» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۰۲). قریب به همین مضمون، عبارات و روایات فراوانی از امام کاظم علیه السلام نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۰۲ تا ۱۰۶). استحکام و استواری دیدگاه‌های کلامی شیعه ریشه در تلاش‌های علمی و عقیدتی و فکری امام علیه السلام دارد. آن‌سوی مبارزات حضرت با افراط‌گرایی تبیین حقیقت در برابر اهل حدیث است. این گروه گرفتار احادیث ساختگی شده بودند و در مسائل صفات و توحید خداوند تعالی نیز به ورطه شبهه دچار بودند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و یاران ایشان با نمایاندن تحریفات این دسته از افراد برداشت‌های نادرست و عوامانه آنان را به دیگران ثابت کردند (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۰۲ و ۱۰۶ و ۱۲۵).

۳.۳. مکاتبه با اصحاب

یکی از روش‌های فرهنگ‌سازی در جامعه، ارتباط ویژه با اصحاب در قالب مکاتبه با ایشان در پاسخ به آن‌ها یا مکاتبات خود حضرت که راساً انجام می‌دادند بود. بنا بر اقتضائات زمانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام یکی از راه‌های پیگیری مسائل اجتماعی و اهداف فرهنگی مکاتبه با شیعیان و یاران بود. دولت عباسی به‌خصوص هارون الرشید فشار را بر امام کاظم علیه السلام و شیعیان مضاعف کرده بود. همچنین حبس‌های طولانی ایشان در زندان راه را برای ارتباط با یاران دشوار کرده بود. یکی از راه‌هایی که در جهت ترویج فرهنگ شیعه و تبیین دین می‌توانست راهگشا باشد مکاتبه با یاران به‌صورت پرسش و پاسخ بود. همین روش یکی از منابع اجتهاد و استنباط است و فقهای شیعه با استفاده از همین راه احکام دین را استنباط می‌کنند. برخی از مکاتبات حضرت در باب ایمان، نماز، نوافل، قضا و شهادت، ارث، طلاق و بطن قرآن ثبت شده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ج ۴، ۴۶۵).

۴.۳. مناظره با مخالفان

یکی از اقدامات فرهنگی حضرت در طول حیات خویش، مناظرات و احتجاجات ایشان با رهبران سایر مکاتب فکری و علمای کشورهای دیگر بود. این بخش از آن‌جهت که دارای ابعاد گسترده و محتوایی غنی است می‌تواند در شمار فعالیت‌های برجسته ایشان درآید. تلاش مخالفان برای برپایی جلسات مناظره بیشتر سیاسی و جهت محکوم کردن حضرت بوده است؛ البته به‌هیچ‌وجه چنین هدفی محقق نشد. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در این مناظرات به بهترین وجه از فرصت استفاده و تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل کردند؛ ازجمله این مناظرات می‌توان به مناظره با این افراد اشاره کرد: ابوحنیفه پیشوای فقه حنفی (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۹: ج ۴، ۳۳۹)، عبدالله افطح رئیس فرقه افطحیه (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۵۳)، هارون الرشید (درباره حقانیت اهل بیت علیهم السلام بر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله) (صدوق، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰۶ تا ۱۱۱: طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۹۳ تا ۳۹۸)؛ علمای درباری مانند ابویوسف قاضی بغداد (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۹۴) و محمد بن حسن شیبانی (مجلسی، بی‌تا: ۳۴۸ تا ۳۵۰)، دو شخص از علمای مشهور حنفیه به نام‌های ابویوسف و محمد بن الحسن (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۵ و ۵۶: نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۱۹۱) که از

شاگردان بنام ابوحنیفه بودند، نفع انصاری، فضل بن ربیع و ابایوسف (قرشی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۵۷ تا ۲۷۱). تمام این مناظرات از جانب امام علیه السلام و برای هدایت جامعه مشوش آن زمان انجام شده است. علاوه بر مناظرات مذکور، حضرت شاگردان برجسته خود را برای شرکت در مجالس و پاسخ به شبهات تشویق می کردند. مناظرات هشام بن حَکَم با جاثلیق (از بزرگان مسیحیان آن زمان) درباره آرای مسیحیت (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۹: ج ۴، ۳۳۵: قمی، ۱۳۸۰: ۲۸۱ تا ۲۸۴) و احتجاجات مؤمن طاق با ابوحنیفه (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۸۱) و دستور حضرت به محمد بن حکیم در خصوص مناظره با مخالفان (کشی، ۱۳۴۸: ۴۴۹) جزو این دسته از مناظرات هستند.

این گونه مناظرات توسط امام کاظم علیه السلام برای پیشبرد مسائل فرهنگی جامعه از چند جهت ارزشمند است:

۱. رقیبان ایشان بیشتر جزو علما و رهبران گروه های فکری آن زمان و دارای نفوذ و موقعیتی برجسته در جامعه بودند. شکست آنان توسط حضرت اثرات بسیار مطلوبی برای مکتب تشیع به دنبال داشت؛

۲. از آنجایی که جامعه از همه طرف مورد هجوم فرقه ها و اندیشه های مختلف در عصر نهضت ترجمه بود و شبهات به راحتی و وفور در جامعه منتشر می شد، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر خود لازم می دیدند تا در حد امکان با پاسخگویی به شبهات در فضای کلامی و مناظرات، فضای جامعه را مدیریت کنند. به همین منظور علاوه بر اینکه شخصاً در مناظرات شرکت می کردند، شاگردان خود را نیز به این کار ترغیب می کردند؛

۳. چون در این مناظرات مباحث روز، زیربنایی، اصولی، فرهنگی و اعتقادی مطرح می شد و جامعه آن زمان به شدت بدان نیاز داشت، با روشن شدن چنین مسائلی بسیاری از امور فرعی دیگر نیز آشکار و گره ها باز می شد؛

۴. مسئله بسیار مهمی که در این مناظرات به چشم می خورد این است که حضرت حتی در فضای دشمنی و خصومت نیز از ابراز حق و دفاع از حقیقت تسامح نکردند و دفاع از حریم اسلام همیشه اولویت ایشان بود. مناظرات حضرت و اصحاب ایشان گویای مطلب است.

۵.۳. تربیت شاگردان

از دوران امام باقر علیه السلام به بعد، امام صادق و امام کاظم علیهما السلام تعداد زیادی از شیعیان را پرورش دادند و هرکدام از آن‌ها به عنوان یک مرجع در کلام و فقه شیعه مطرح شدند. افرادی نظیر هشام بن سالم، علی بن اسماعیل، هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن از جمله این شاگردان بودند که مانع نفوذ انحراف در مکتب تشیع شدند و به وسیله تألیف اصول فرهنگی و حدیثی، شیعه را حفظ کردند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۱۹۴ تا ۱۹۹؛ کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۷۱). حضرت موسی بن جعفر علیه السلام علی‌رغم اختناق حکومت و تعرض‌های متعدد ایشان به حضرت، تلاش‌های فراوانی در جهت تربیت شاگردان و گسترش دامنه تشیع کرد. محصول جهاد و جهاد حضرت پرورش راویانی بود که استمرار شیعه را تضمین کردند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۵۶ و ۳۵۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹۷؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۰۲ تا ۵۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۲۹: ج ۴، ۳۵۰).

محمد بن ابی‌عُمیر از جمله شاگردان بسیار متقی و فرهیخته حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود. او را به خاطر مدیریت و تنظیم سیاست‌های حضرت، به زندان‌های طولانی مدت محکوم کردند (طوسی، ۱۴۰۴: ۴۶). علی بن یقطين نیز یکی از یاران حضرت به شمار می‌آمد که در دربار هارون مشغول خدمت به شیعیان بود. روزی حضرت به او دستور داد به شیوه اهل سنت وضو بگیرد. هارون که از قبل به علی بن یقطين بدگمان شده بود با دیدن این صحنه خشم خود را فرو خورد و گفت که زین پس هرگز مذمت سخن چنان درباره تو را نخواهم پذیرفت (معروف الحسنی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۳۲۲ و ۳۲۳).

۶.۳. تبیین فرهنگی در مقابله با سیاست تزویر

در دوران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سومین خلیفه عباسی، مهدی، اعلام کرد هرکس بر گردن حکومت حقی دارد نزد من بیاید و آن را طلب کند. او از روی ظاهر و در حرکتی نمادین شروع به پرداخت حقوق مردم کرد. مهدی از حضرت پرسید حق شما چیست تا آن را به شما عطا کنم. حضرت حدود فدک را که شامل تمام حکومت او می‌شد نشان دادند. وقتی مهدی این جمله را شنید به شدت خشمگین شد و گفت باید بیندیشم (طوسی، بی تا: ج ۳، ۳۰۴). امام علیه السلام در مقابله با سیاست مردم‌فریبی و نیرنگ هارون فرمودند که رهبر واقعی کسی است که بر قلب‌ها حکومت کند؛ نه اینکه به زور

حکومت و از روی ظاهر رفتار مردم تأیید شود (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۴۳). علاوه بر این، حضرت برای شکستن روحیه تکبر با استفاده از آیات قرآن به او اخطار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی وضعیت فرهنگی دوران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام این نتیجه حاصل می‌شود که جامعه با انواع اندیشه‌های مخالف اسلام و فرقه انحرافی مورد حمله قرار گرفته بود و هویت و ادامه حیات مکتب تشیع تهدید می‌شد. در این فضا اهل حدیث به گوشه‌ای رانده شدند و معتزله به وسیله جریان حاکم تقویت و با افراط بر استفاده از عقل به عنوان اهرمی برای توجیه مسائل دینی زمینه برای هرج و مرج آماده شد. علاوه بر این عوامل، باید فشار و اختناق دستگاه حاکم را نیز به این جامعه افزود. هرچند عوامل مختلفی بر فعالیت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تأثیر داشت و آزادی عمل را از ایشان سلب کرده بود، ایشان با استفاده از روش‌های مختلف از جمله تربیت شاگرد، انجام مناظرات، انتشار حدیث، مکاتبه با اصحاب و مقابله با افراط‌گرایی توانستند ادامه حیات شیعه را تضمین کنند. در یک کلام، استمرار جریان تشیع و انتقال آن به نسل‌های بعدی مرهون تلاش‌های بی‌وقفه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.

فهرست منابع

۱۳۱

* قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب، ابی جعفر محمد بن علی، ۱۴۱۹، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، به تحقیق یوسف البقاعی، چ ۳، قم: ذوی القربی.
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار الفکر.
۳. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، قم: دار الحديث.
۴. ادیب، عادل، ۱۳۷۴، تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، چ ۱۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمہ فی معرفة الأئمة علیهم السلام، تهران: اسلامیہ.
۶. اردبیلی نجفی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، ۱۴۱۱، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: تحریر ابوطالب کرمانی.
۷. اردبیلی، محمد علی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، قم: مکتبۃ آیۃ الله العظمی المرعشی النجفی.
۸. آشوری، داریوش، ۱۳۷۵، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۹. البانی، عصری، ۱۳۸۸، الحیاة السیاسیة لامام الکاظم علیه السلام، قم: المصطفی.
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری (<http://www.leader.ir>).
۱۱. پهلوان، چنگیز، ۱۳۷۸، فرهنگ‌شناسی، تهران: پیام امروز.
۱۲. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۹۲، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.
۱۳. جباری، محمدرضا، ۱۳۹۲، سیرۃ اخلاقی و سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام، قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی.
۱۶. سامی نشار، علی، ۱۹۷۷، نشأه الفكر الفلسفی فی الاسلام، قاهره: دار المعارف.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴، عیون اخبار الرضا، به تحقیق الشیخ حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴، اختیار معرفة الرجال، به تصحیح میرداماد الاسترآبادی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام للاحیاء التراث.
۲۰. __، بی تا، تهذیب، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
۲۱. قرشی، باقرشریف، ۱۴۳۰، موسوعة سيرة اهل البيت الامام موسى بن جعفر علیه السلام، قم: نشر دار المعروف.
۲۲. __، ۱۹۹۳، حیاة الإمام موسى بن جعفر علیه السلام، بیروت: نشر دار البلاغة.
۲۳. قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۰، الأنوار البهیة، ترجمة محمد محمدی اشتهااردی، چ ۳، قم: نشر ناصر.
۲۴. کاظمی، سیدعلی اصغر، ۱۳۷۶، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران: نشر قومس.
۲۵. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، ۱۳۴۸، رجال الکشي (اختیار معرفة الرجال)، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، الکافي، تهران: نشر اسلامیه.
۲۷. متقی زاده، زینب، ۱۳۸۸، جهانی شدن و فرهنگ مهدوی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۸، ایمان و کفر، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: نشر عطارد.

۲۹. __، بی‌تا، بنادر البحار، ترجمه فیض الاسلام، تهران: نشر فقیه.
۳۰. محمودی بختیاری، علی‌قلی، ۱۳۶۸، زمینه فرهنگ و تمدن ایران، چ ۴، تهران: نشر پاژنگ.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، تهاجم فرهنگی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۲. __، ۱۳۹۱، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، از نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری.
۳۴. __، بی‌تا، سیری در سیره نبوی، تهران: نشر صدرا.
۳۵. معروف الحسنی، هاشم، ۱۳۷۴، سیری در سیره ائمه اثني عشر علیهم السلام، قم: منشورات رضی.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳، الارشاد، به تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: نشر اسلامیه.
۳۷. نباطی بیاضی، زین‌الدین علی بن یونس، ۱۳۸۴ش، الصراط المستقیم، نجف: المكتبة المرتضوية.
۳۸. نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین.
۳۹. نعمانی، شبلی، ۱۳۸۶، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی، تهران: نشر اساطیر.
۴۰. نفیسی، علی‌اکبر و محمدعلی فروغی، بی‌تا، فرهنگ نفیسی، تهران: بی‌نا.
۴۱. هاشمی، ریحانه، زمستان ۱۳۸۶، «نقش زن در زمینه‌سازی ظهور»، انتظار، س ۶، ش ۲۲، ص ۱۵۹ تا ۲۰۲.

